

ابن بطریق حلی؛ نخستین مستدرک‌نویس امامیه

مهدی غلامعلی (استادیار گروه حدیث دانشگاه قرآن و حدیث)

mahdigh53@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵)

چکیده

مستدرک‌نویسی، از سبک‌های متداول و مهم در کتاب‌های حدیثی است. این سبک در بین اهل سنت از سده چهارم رواج داشته است. مسئله این پژوهش، واکاوی آغاز این سبک در امامیه است. بر اساس پژوهش حاضر، روشن شد که حافظ ابن بطریق حلی (م ۶۰۰ ق) با تدوین کتاب *المُستدرکُ الْمُختارُ فی مناقِبِ وَصِیِّ الْمُختارِ*، نخستین حدیث‌پژوه امامیه است که به سبک مستدرک‌نویسی روی آورد. وی این کتاب را به عنوان مستدرک کتاب پیشین خود - کتاب *العمدة* - تألیف کرده است. در اصل تألیف این مستدرک توسط وی تردیدی نیست، اما در این هماني اثر به واسطه ابهامات موجود در متن کتاب، جای تأمل است. براساس شواهدی در نسخه خطی، مطالب مندرج در متن، سبک ابن بطریق و مقایسه با کتاب *العمدة* به نظر می‌رسد غالب متن کتاب *المُستدرکُ الْمُختارُ* موجود - یعنی احادیث - اثر ابن بطریق بوده؛ ولی عباراتی را نیز ناسخ یا شخص دیگری به کتاب افزوده است.

کلیدواژه‌ها: حافظ ابن بطریق حلی، مستدرک‌نویسی، المستدرک المختار فی مناقب وصی المختار، العمدة، سبک‌شناسی کتب حدیثی.



درآمد

مستدرک‌نویسی، از سبک‌های شناخته شده در تاریخ تدوین حدیث است. این سبک از سده چهارم هجری تا دوره معاصر، رواج داشته است. به نظر می‌رسد که اهل سنت پیش از شیعه با این سبک آشنا شده و چه بسا پایه‌گذار این روش تألیفی هستند. پژوهش پیش رو، سبک «مستدرک‌نویسی» را در شیعه بررسی و با سؤالاتی ویژه دنبال کرده است.

مهم‌ترین مسائل پژوهشی این نوشتار را می‌توان این‌گونه برشمرد: محدثان امامیه از چه زمانی به این سبک روی آوردند؟ نخستین مستدرک‌نویس امامیه چه کسی بوده و چه اثری را خلق کرده است؟ کتاب وی تا چه اندازه با تعاریف مستدرک، همخوانی دارد و نسخه آن تا چه اندازه قابل اعتماد است؟ به عبارت دیگر، اولین مستدرک‌نگار شیعه تا چه میزان پاینده به اصول این سبک بوده است؟

پاسخگویی به این سؤالات، را می‌توان خدمتی ارزشمند به تاریخ تدوین حدیث دانست؛ چه این‌که تا کنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است و آنچه که پیش‌تر بوده، بیشتر در دایره تعاریف مستدرک‌نویسی و شناساندن برخی کتاب‌های مستدرک است. در ادامه، پس از بیان تعریف این اصطلاح و بررسی پیشینه این سبک، پاسخ سؤالات پژوهشی پیش‌گفته را تبیین خواهیم کرد.

معنای اصطلاحی «مستدرک» برگرفته از معنای لغوی آن است. «درک» یعنی ملحق شدن و رسیدن چیزی به چیز دیگر (احمد بن فارس، ۱۴۱۵: ۲/۲۶۹). استدراک، مصدر متعدی از باب استفعال است و چنانچه با «عَلَى» بیاید به معنای جبران کردن، تلافی کردن و تکمیل کردن است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰/۴۱۹، ماده «درک») و به طور معمول برای تکمیل کار ناتمام و ناقص به کار می‌رود.

اکنون در اصطلاحات کتاب‌شناختی، به کتابی مستدرک گویند که به مثابه متممی بر کتاب دیگر، با همان شیوه و شروط نویسنده قبلی، تدوین شود. نویسنده مستدرک می‌کوشد احادیثی را که نویسنده اصلی ذکر نکرده است، در مستدرک بیاورد (الاعظمی، ۱۴۲۰: ۴۰۴؛ ابوزهو، ۱۴۰۴: ۴۰۷)، مانند کتاب المستدرک علی الصحیحین اثر حاکم نیشابوری.

در تعریف فوق، دو واژه «شیوه» و «شروط» به توضیح بیشتری نیازمندند. منظور از این‌که مستدرک‌نویس باید کتاب خود را با همان شیوه نویسنده اصلی تدوین کند، این است که مستدرک‌نویس باید ابواب کتاب، طریقه نقل (مسند یا مرسل) و... را به طور دقیق همانند کتاب اصلی تنظیم کند. اصطلاح شرط نیز به طریق نقل و اسناد کتاب اصلی مربوط است. مستدرک‌نویس باید در اسناد احادیث دقت کند و تنها از روایان (اسناد و طرق مورد تأیید مؤلف اصلی) یا کتاب‌هایی روایت نقل کند که صاحب کتاب اصلی از ایشان نقل کرده است و در واقع، آن روایان یا کتاب‌ها، نزد مؤلف اصلی، ثقه و مورد تأیید بوده‌اند.^۱

پیشینه مستدرک‌نویسی

اساس مستدرک‌نویسی به نیمه دوم سده چهارم هجری باز می‌گردد. دارقطنی (م ۳۸۵ ق) با تألیف کتاب الإلزامات علی الصحیحین، در یک جلد، نخستین فردی بود که اثری را به شیوه استدارک‌نویسی نگاشت (کتانی، ۱۴۰۰: ۲۱-۲۳)؛ اما او از استخدام اصطلاح «مستدرک» برای اثر خویش استفاده نکرد. به نظر می‌رسد واژه «مستدرک» را نخستین بار حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)، برای کتاب خویش برگزید. او کتابش را المستدرک علی الصحیحین نامید و در چهار جلد منتشر ساخت. این واژه در دوره‌های بعد در مقام اصطلاحی در سبک‌شناسی و منبع‌شناسی معروف شد؛ برای مثال در قرون چهارم و پنجم، چند کتاب به سبک مستدرک بر صحیح البخاری و صحیح مسلم نگاشته شد که المستدرک علی الصحیحین، اثر أبوذر انصاری هروی (م ۴۳۴ ق) یکی از آنهاست (همان).

مستدرک‌نویسی در شیعه

در ادبیات شیعه معاصر، کلمه مستدرک بیشتر به کتاب مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری طبرستانی معروف به «محدث نوری» (م ۱۳۲۰ ق) انصراف دارد. او خود در دیباچه کتاب به انگیزه‌اش در تکمیل کتاب وسائل الشیعه چنین اشاره می‌کند: «در کتب اصحاب به احادیثی

۱. مواردی که مستدرک‌نویس باید در شرط رعایت کند، متعدد است برای مثال نقل از ثقه، نقل از ضابط، اتصال سند، لقای راوی و شیخ و خالی بودن متن از شدوذ و کاستی و آفت. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۷۲-۷۴؛ الإمام الحاکم النیسابوری و کتابه، ص ۲۳۹-۲۱۶. گفتنی است که شناخت شروط نویسنده اصلی و رعایت آن از مسائل بنیادی مستدرک‌نویسی است.

برخوردم که در کتاب وسائل الشیعه وجود نداشت؛ چراکه مؤلف وسائل، اطلاعی از آن کتاب نداشته و یا به آن اعتماد نداشته است؛ در حالی که ما دلایلی در اعتماد بر آن کتاب داریم. همچنین در همان کتاب‌های مورد اعتماد شیخ حر عاملی نیز احادیثی وجود داشت که در ذیل عنوان خود نیامده بودند. همه این دو گروه احادیث را جمع کرده و به ترتیب کتاب وسائل، مرتب کردم (نوری، ۱۴۰۸: ۶۰/۱).

محدث نوری برای تألیف این اثر، متحمل سختی‌های بسیاری شده است؛ ولی شروط مؤلف اصلی - شیخ حر عاملی - را رعایت نکرده و از منابع غیر معتبر در نزد وی، احادیث مرسل و ضعیف گزارش کرده است. از این رو کمتر مورد اقبال فقیهان واقع شد.

گرچه این کتاب، مشهورترین مستدرک شیعی است و حتی برخی را گمانه این است که غیر از این اثر، کتابی به سبک مستدرک در شیعه نگاشته نشده است، اما حقیقت آن است که پس از قرن ششم، برخی از حدیث‌پژوهان امامیه به تدوین کتاب‌های مستدرک اشتغال داشته‌اند. برای نمونه می‌دانیم که سید علی بن طاووس حسینی حلی (م ۶۶۴ ق) دقیقاً با این مفهوم آشنا بوده است. در کارنامه علمی او دو اثر به چشم می‌خورد که به سبک مستدرک تألیف شده است:

۱. مهمات فی صلاح المتعبد و تتمات لمصباح المتهجد

این اثر - که به المهمات و التّمات نیز مشهور است - در حقیقت، مستدرک کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی است. سید بن طاووس مجموعه‌ای از آثار دعایی خود را با انگیزه تکمیل و تممیم کتاب مصباح المتهجد تألیف کرده است. او این نظریه را در کتاب فلاح السائل طرح‌ریزی کرده است. وی هشت اثر دعایی خود را که پیش‌تر در ده جلد نگاشته بود، «المهمّات» نامیده و این مجموعه را متمم مصباح دانسته که البته با تنظیم موضوعات شیخ طوسی هم‌افق است.^۱ گفتنی است المهمّات نگارش جدید و مستقلی نیست؛ بلکه عرضه‌ای جدید از کتاب‌های پیشین سید است که در نزد کتاب‌شناسان به عنوان مهم‌ترین پژوهش پیرامون کتاب مصباح المتهجد شناخته شده است.

۱. تقسیم ده جلدی کتاب المهمّات عبارت است: فلاح السائل (جلد ۱ و ۲)؛ زهرة الربيع في أدعية الاسابيع (جلد ۳)؛ جمال الاسبوع (جلد ۴)؛ الدروع الواقية (جلد ۵)؛ مضمار السبق (جلد ۶)؛ مسالك المحتاج (جلد ۷)؛ الإقبال (جلد ۸ و ۹)؛ و السعادات (جلد ۱۰). البته تقسیم‌های دیگری نیز گفته شده است.

۲. التحصين لأسرار ما زاد من كتاب اليقين

سید علی بن طاووس، در دهه هفتاد عمر خویش کتابی را با عنوان «اليقين» با هدف اثبات نامگذاری امام علی علیه السلام به «امیر المؤمنین» توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تألیف و ۳۰۹ حدیث را در آن گرد آورد. او در سالهای پایانی عمرش به احادیث دیگری با همان موضوع در منابعی چون کتاب نور الهدی و المنجی من الردی تألیف حسن بن أبی طاهر أحمد بن محمد بن حسین الجوابی ظفر یافت. بنابراین کتاب التحصين را به عنوان مستدرک کتاب اليقين نگاشت تا احادیث جدید را در آن ارائه کند.^۱ او در صفحات نخست این کتاب می نویسد:

«و كنت قد وجدت نحو خمسين حديثاً في معاني أبواب كتاب اليقين مصنفها غير من ذكرناه إذ طرقها غير ما تضمنه ما رويناه فيه عن المخالفين أو الموافقين و أشفقت أن تضيع بإهمالها و أنه لا يظفر غيرنا بحالها و أن أكون يوم القيامة مطالباً بجمع شتاتها و نفع مهماتها. و اقتضت الاستخارة أننى أفردتها و ما عساه فات فى كتاب و اصف لما أستر من أسرارها و كاشف لأنوارها و أن أجلو على أهل الجهالة وجوه جمالها و أدعو إلى أهل بيت الرسالة بلسان حالها. و أن يكون زيادة فى الحجج البالغة و الآيات القاطعة الدامغة و قد سميتها: «كتاب التحصين لأسرار ما زاد من أخبار كتاب اليقين» (سید بن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۳۱).

آنچه روشن است، سید بن طاووس با مفهوم مستدرک آشنا بوده و آثاری را نیز به همین سبک خلق کرده است؛ اما از لفظ «مستدرک» استفاده نکرده است.

المُستدرک المُختار؛ نخستین مستدرک شیعی

پیش تر گذشت که اهل سنت از سده چهارم هجری، مستدرک نویسی را آغاز کردند. اکنون پرسش این است که شیعیان از چه زمانی به مستدرک نگاری روی آوردند؟ و نخستین مستدرک شیعی را چه کسی خلق کرد؟

نمی توان باور داشت که عالمان و محدثان شیعه از سبک مستدرک در میان اهل سنت بی خبر بوده اند. به ویژه آن که در سده چهارم و پنجم، شیعیان بغداد، طلایه داران فرهنگ حدیثی

۱. کتاب التحصين در بردارنده ۵۶ حدیث است و از دو بخش تشکیل شده است: بخش نخست با عنوان «الأحاديث المتضمنة لتسميته عليه السلام بأمير المؤمنين» شامل ۲۹ باب، و در هر باب، یک روایت ذکر شده است و بخش دوم «الأحاديث المتضمنة لتسميته عليه السلام بإمام المتقين» است که این بخش نیز شامل ۲۷ روایت در ۲۷ باب است.

شیعه هستند و از آخرین تلاش‌های علمی اهل سنت آگاه بوده‌اند. حتی این مطلب را هم می‌دانیم برخی از محدثان شیعی، مانند ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از کتاب المستدرک حاکم در نقل حدیث استفاده می‌کردند (برای نمونه، ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۳۳۲)؛ اما عدم استفاده از این سبک و سبک‌هایی نظیر آن - مانند مُسْتَخَرَج - بیشتر به تفاوت‌های حدیث‌نگاری شیعه با اهل سنت باز می‌گردد.

در بازخوانی تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هفت و هشت هجری، شاهد نوآوری‌های متعددی در حدیث‌پژوهی محدثان منطقه حِلّه هستیم. گفته شد که سید بن طاووس یکی از طلایه‌داران مستدرک‌نویسی شیعه است. اکنون شایسته است بگوییم پیش از وی نیز این سبک در حِلّه سابقه داشته است. بعید نیست که سید نیز به پیروی از پیشینیان خود در حِلّه به استدارک‌نویسی روی آورده باشد.

بر اساس نسخه‌های موجود و اطلاعات کتاب‌شناختی، حافظ ابو الحسین، شمس الدین^۱ یحیی بن الحسن بن الحسین الأسدی الرَّبَعی الحَلّی مشهور به ابن بطریق (م ۶۰۰ ق) با تألیف کتاب المُسْتَدْرَكُ الْمُخْتَارُ فِي مَنَاقِبِ وَصِيِّ الْمُخْتَارِ، نخستین کسی است که در شیعه کتاب مستدرک نگاشته است. او نه تنها اولین مستدرک‌نویس شیعی است، بلکه نخستین فرد از شیعیان است که از این اصطلاح برای کتاب خویش بهره برده است. این را هم می‌دانیم که ابن بطریق با نگارش‌های اهل سنت به خوبی آشنا بوده است هر چند در شمار مصادر کتاب‌هایش - العمدة یا المستدرک المختار - کتاب‌های مستدرک اهل سنت - مانند المستدرک حاکم یا الزامات دارقطنی - به چشم نمی‌خورد، این در حالی است که او در این دو اثر خود، تنها از منابع عامه بهره برده است و از ده‌ها کتاب روایی اهل سنت، حدیث گزارش کرده است.

نیم‌نگاهی به کتاب «العمدة»

در سده‌های ششم و هفتم هجری، بسیاری از نویسندگان شیعی به مناقب‌نگاری^۲ روی آوردند.^۱ بیشتر این کتاب‌ها به بیان فضائل و مناقب امیر المؤمنین امام علی (ع) اختصاص

۱. در اجازات، از وی گاهی با القابی چون شرف الاسلام و کنیه‌های چون ابوزکریا نیز یاد شده است.
۲. مناقب جمع «منقبة» به معنای کردار برجسته، اوصاف حمیده، سجایای پسندیده و معجزه است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱/۷۶۸؛ الطریحی، ۱۴۰۸: ۴/۳۵۸). در دانش سبک‌شناسی، کتاب‌های حدیثی را که بیان‌کننده خصال نیک و اوصاف پسندیده شخصیت‌های شناخته شده باشد، مناقب گویند (غلامعلی، ۱۳۹۸: ۱۹۷).

داشت. شیوه‌های بسیاری از این مناقب‌نگاری‌ها همسو با یکدیگر بود و کمتر نوآوری ویژه‌ای را در این کتاب‌ها سراغ داریم. محدث ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ق) با تألیف کتاب مناقب آل ابی طالب، سعی کرد تا بخش قابل توجهی از مناقب اهل بیت را از منابع اهل سنت استخراج کند. این ایده اگرچه جدید می‌نماید و کتاب وی سهم مهمی در نقل مناقب فراموش شده از اهل بیت را عهده‌دار بود، ولی نقل از منابع ضعیف، گزارش روایات منفرد و مرسل از اعتبار کتاب کاست.

شاگرد ابن شهر آشوب، حافظ ابن بطریق (۵۲۳ - ۶۰۰ ق)^۲ از فقیهان برجسته امامیه در حله با تأمل در آثار مناقب‌نگاری این دوران، با ابداع شیوه‌ای جدید در این سبک، تحول عمده‌ای در مناقب‌نگاری ایجاد کرد. او با هدف تقویت بنیادهای باورمندی مسلمانان کتاب عمده‌ایون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار را در تبیین جایگاه امام علی (ع) نگاشت. مقدمه مفصل نویسنده، حاکی از اندیشه مبدعانه نویسنده و حاوی چند مطلب مهم است:

۱. تمام مطالب کتاب، صرفاً نقل احادیث مسند نبوی است (۹۲۰ حدیث).^۳
۲. مصادر نویسنده در این کتاب، تنها منابع معتبر اهل سنت است. او می‌نویسد: «فهذه عمدة كتب اهل الاسلام التي عليها عمل المستبصر عند اربابها و بها حجة المستنصر عند طلابها» (حلی، ۱۴۰۷: ۱/۶۴).

۱. برای نمونه: الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ ق)؛ الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق)؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)؛ المناقب، شاذان بن جبرئیل (قرن ششم)؛ طرّف من الأبناء و المناقب فی شرف سید الأنبیاء و عترته، سید علی بن طاووس (م ۶۶۴ ق) و...
 ۲. میرزا عبد الله افندی در تعلیق‌اش بر أمل الآمل درباره وی می‌نویسد: (الشیخ) الامام الأجل شمس الدین جمال الإسلام رحلة العالم الفقیه نجم الإسلام تاج الأنام (الملة) مفتی آل الرسول. (منها العمدة) هو «العمدة من صحاح الأخبار فی مناقب امام الابرار أمير المؤمنين علی بن أبی طالب وصی المختار»...، وهو فی أخبار المخالفین فی الإمامة، داخل فی فهرس البحار. (وكتاب الخصائص) لعله بعینه كتاب «خصائص الوحي المبين فی مناقب أمير المؤمنين»، وهذا الكتاب رأينا منه نسخة فی تبریز، وألفه بعد العمدة والمستطرف حسنة الفوائد، وقد ذكر أسانیده فی أول ذلك الكتاب إلى كتب العامة. ويظهر من تلك الأسانید أن له مشایخ عديدة من العامة والخاصة. ویروی فی هذا الكتاب عن مشائخه سنة خمس وثمانین وخمسمائة (افندی، ۱۴۱۰: ۳۳۵).
 ۳. نویسنده خود در مقدمه، شمار احادیث را ۹۱۳ مورد دانسته؛ اما محققان پس از شماره‌گذاری، تعداد آنها را ۹۲۰ حدیث دانسته‌اند.

۳. نویسنده مطابق روش متعارف محدّثان اهل سنت، سند متّصل خود را به یکایک منابع حدیثی بیان کرده که هیچ خرده‌ای بر وی نباشد (وَأَن أَذْکُرُ صَحَّةَ اتِّصَالِی بِذَٰلِکَ کُلِّهِ مِنْ طَرَقِهِ وَ مِطَاطَّهِ، بحيث لا یبقی ریب یتخالج ولا شک یتعالج) (همان: ۶۳).

۴. بیان منابع کتاب و طریق به یکایک آنها: الصحیح (محمّد بن اسماعیل بخاری)، الصحیح (مُسلم بن حجاج نیشابوری)، الجمع بین الصحیحین (محمّد بن ابی نصر حُمَیدی)، الموطا (مالک بن انس)، السنن (ابو داود سجستانی)، الجمع بین الصحاح الستة (عبدَری)، الجامع الصحیح (ابو عیسیٰ ترمذی)، الصحیح النسائی، مسند ابن حنبل (احمد بن حنبل)، مناقب امیر المؤمنین (ابن مغازلی شافعی) و کتاب الفردوس (دیلمی)، تفسیر الکشف و البیان (ثعلبی) (ر.ک: همان: ۸۹ - ۱۰۰).

۵. اهتمام نویسنده به بیان فضائل امیر المؤمنین است (۳۶ فصل فضائل مولا و ۸ فصل فضائل دیگران: مانند حضرت زهراؑ، حضرت خدیجهؑ و ...).

۶. بیان فهرست کل کتاب و شمار احادیث هر بخش و بیان منابع در هریک از این صورت اجمالی. (همان: ۷۶ - ۸۵).

گذشته از مطالب برخاسته از مقدمه مؤلف، ویژگی‌های دیگری نیز این اثر دارد که آن را از دیگر آثار همسو در آن سده‌ها ممتاز می‌سازد. سه ویژگی مهم کتاب العمدة چنین است: یک. از ویژگی‌های مهم این اثر، بهره‌گیری گسترده از آیات قرآنی است که به نوعی تفسیر نبوی یا شأن نزول آن، فضیلتی از مولا را آشکار می‌سازد.

دو. از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب العمدة، نقل دقیق آدرس کتاب‌های مصدر در ابتدای روایات است. برای نمونه او این‌گونه می‌نویسد: «و من صحیح البخاری أيضاً فی الجزء الرابع من أجزاء ثمانية فی ثلاثة الأخير وبالإسناد المقدم، قال حدثنا عبد الله بن مسلمة...» (همان: ۱۱۲)، «ومن صحیح المسلم فی ثالث کراس من الجزء الرابع من أجزاء ستة فی باب فضائل علی بن ابی طالب صلوات الله علیه...» (همان: ۱۱۳).

سه. باب‌بندی درختی فصل‌های کتاب، نشانگر ذهن خلاق ابن بطریق است. با توجه به این‌که نویسند، مقدمه را پس از اتمام اثر نگاشته است، به خوبی می‌توان زحمات گسترده وی را در باب‌بندی منطقی کتاب مشاهده کرد.

کتاب العُمدَة در واپسین پژوهش، در دو جلد با تحقیق آقای سعید عرفانیان و با اشراف «مکتبه العلامة المجلسی» در سال ۱۴۳۶ ق در قم منتشر شده است. محقق محترم در این پژوهش، هشت نسخه خطی کتاب را مقابله و بررسی کرده است و سپس به نیکی به تقویم نص، ضبط، و تخریج نصوص متن روایات پرداخته است. نفیس ترین و قدیمی ترین نسخه موجود از کتاب العمدَة مربوط به چند دهه پس از وفات نویسنده است (نیمه اول سده هفتم هجری)^۱ (همان: ۱۴).

«المُستدرک المُختار» در بوثه نقد و نظر

حافظ ابن بطریق پس از نگارش کتاب العمدَة، اثر دیگری را به عنوان مستدرک العمدَة تدوین کرد. او در این کتاب، ۳۷۶ روایت از اهل سنت در بیان مناقب امیر المؤمنین و اهل بیت علیهم السلام گزارش کرده است.^۲ برآنیم تا به اجمال با این اثر آشنا و سپس درستی اصطلاح مُستدرک بر این کتاب را به بحث نشینیم.

۱. مقدمه

کتاب بدون مقدمه شروع شده است. وی اثر خود را با آیه مشهور ولایت (مائده: ۵۵) آغاز و ذیل آن هشت حدیث - از کتاب ما نُزِلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اثر ابو نعیم اصفهانی - آورده است. بنابراین کتاب از فقدان مقدمه رنج می برد و به درستی معلوم نیست که چرا ابن بطریق برای این کتاب مقدمه ننگاشته است؟! دو احتمال قابل ارزیابی است: نخست این که مؤلف کتاب، مستدرک را ادامه کتاب العمدَة دانسته است، از این رو به مقدمه اش بر العمدَة تکیه کرده است. احتمال دوم این است که شاید ابن بطریق مقدمه نوشته است، اما مقدمه مفقود شده و به دست ما نرسیده باشد. احتمال اخیر ضعیف است؛ چراکه به نظر می رسد تمام کتاب به صورت کامل رسیده و دلیلی بر مفقود شدن مقدمه نداریم. از سوی دیگر، مؤلف در

۱. این نسخه در کتابخانه امیر المؤمنین نجف (کتابخانه علامه امینی) است و دارای خطی زیبا و نیکوست. محقق درباره این نسخه می نویسد: امتازت هذه النسخة بأن قرأها الشيخ كمال الدين ابو العباس أحمد بن إبراهيم العفيف الموصلي على ولد المصنف علي بن البطريق، فكتب عليه اجازة برواية الكتاب عنه عن والده المؤلف (حلی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۴).

۲. تعجب است که آقا بزرگ تهرانی و به تبع او محقق محترم کتاب، شمار روایات را حدود ششصد روایت دانسته است: «(فيه قريباً من ستمائة حديث من كتب العامة)» (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۲۱/ ۵/ ۳۶۸۲؛ حلی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۳).

تمام آثارش مقدمه می‌نوشته است و این روش همیشگی او بوده است.^۱ مؤید احتمال اول کلام مؤلف در مقدمه کتاب دیگرش - خصائص الوحي المبين - است. او کتاب العمدة و مستدرک را گویی یک اثر می‌داند. بنابراین درباره طریق خویش به روایات اهل سنت می‌نویسد: «فتطلعت على ما ورد في ذلك من طريق [أهل] السنة خاصة مما صح اتصالى به، فأثبتته في كتابنا هذا، كما تقدم منا تصنف مناقبه المذكورة أعنى "العمدة" وكتاب "المستدرک المختار" في مناقب وصی المختار من طريق [أهل] السنة خاصة، ليس للشيعة فيه طريق» (حلی، ۱۴۱۷: ۵۱).

۲. نام کتاب

گفته شد که کتاب المستدرک مقدمه ندارد و نسخه خطی آن با همین نام - المستدرک المختار - فی مناقب وصی المختار - شروع شده است. بنابراین می‌توان احتمال داد که نام منتخب نویسنده همین عنوان بوده است. دو مؤید بر نام‌گذاری کتاب توسط نویسنده وجود دارد. نخست این که مؤلف در مقدمه کتاب دیگرش - خصائص الوحي المبين - از این کتاب با همین عنوان مشهور یاد کرده است. (ر.ک: همان جا). مؤید دوم، سخن علامه مجلسی در بحار الأنوار است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۹). او یک نسخه خطی نفیس از این کتاب در اختیار داشته و گمان قوی دارد که به خط خود مؤلف بوده و نام کتاب در نسخه خطی وی «المستدرک» است.^۲

گفتنی است، آقا بزرگ تهرانی نسخه‌هایی خطی از این کتاب با عنوان «مستدرک المختار» در کتابخانه‌ها دیده است (آقا بزرگ، ۱۴۰۳: ۵/۲۱).^۳

۱. ابن بطریق معمولاً مقدمه‌های کاملی را برای آثارش نگاشته است. وی در مقدمه‌ها حتی نام دقیق کتاب، فصول آن و تعداد احادیث اثر خویش را می‌نویسد. این شیوه، نشانگر آن است که تدوین مقدمه توسط وی پس از اتمام اثر انجام می‌شده است. برای نمونه وی در مقدمه العمدة می‌نویسد: «وقد سميت بعمة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وصي المختار صلى الله عليه وعلى الأئمة من ذريته الأطهار وقد فصلته فصولاً بمقتضى فضائله وطرقة طرقاً لتعظيم منازل فعدد فصوله خمسة وأربعون فصلاً تشمل على تسعمائة و عشر حديثاً» (حلی، ۱۴۰۷: ۱/۷۶).

۲. و کتاب العمدة و مؤلفه مشهوران مذکوران فی آسانید الإجازات و کذا المناقب و أما المستدرک فعندنا منه نسخة قديمة نظن أنها بخط مؤلفها.

۳. آقا بزرگ به نقل از کتاب ریاض العلماء آورده است که: در نسخه‌ای نام این کتاب المستطرف المختار آمده است. با مراجعه به مدخل یحیی بن حسن در ریاض چاپ شده، چنین مطلبی یافت نشد. افندی نیز از این کتاب با عنوان مستدرک یاد کرده است.

۳. محتوای کتاب

نویسنده، مطالب خود را با روایات تفسیری ذیل چهل عنوان از آیات قرآن شروع کرده است. در این بخش، استفاده گسترده‌ی وی از کتاب ابونعیم اصفهانی مشهود است. او ۱۶۹ روایات تأویلی، تطبیقی و تفسیری را پس از ذکر آیات قرآنی در این بخش ارائه کرده است. بخش دوم کتاب به بیان برخی از روایات مشهور نبوی در فضیلت مولی الموحدین پرداخته و بخش پایانی به مناقب برخی از خاندان اهل بیت علیهم السلام مانند حضرت زهرا، حضرت خدیجه و ائمه اطهار علیهم السلام و فضائل درباره‌ی عمو و جد پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد. کتاب مستدرک با فصلی با عنوان «فی ما جاء فی عبد المطلب و ابی طالب» پایان می‌یابد.

۴. مصادر کتاب

ابن بطریق در مستدرک از پاره‌ای از منابع حدیثی اهل سنت استفاده کرده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ما نُزِلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (حلی، ۱۴۳۶: ۶-۱۳ ح ۱-۱۰ و...) از ابونعیم اصفهانی؛ حلیة الأولیاء (همان: ۲۲-۳۲ ح ۱۷، ۱۸، ۱۹ و...) از ابونعیم اصفهانی؛ المغازی (همان: ۱۵۱، ۱۲۵، ۱۳۰ و ۱۵۵ و...) از محمد ابن اسحاق؛ الشریعة (همان: ۳۲ ح ۲۴) از آجری؛ الفردوس (همان: ۱۵۷ ح ۱۳۴)، نوشته ابن شیرویه؛ فضائل الصحابة (همان: ۱۵۷ ح ۱۳۳) از ابی مظفر سمعانی؛ الجمع بین الصحاح الستة (همان: ۲۲ ح ۱۷) اثر رزین بن معاویه عبدری؛ الاستیعاب (همان: ۳۴ ح ۲۵) از ابن عبد البر؛ الأنساب (همان: ۷۵ ح ۵۲) از احمد بن یحیی بلاذری. شایسته است بدانیم که کتاب المستدرک تنها درگاه ما به برخی از این آثار است؛ چرا که آن مصادر در گذر تاریخ از بین رفته‌اند. برای نمونه، کتاب‌های ما نُزِلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، المغازی و فضائل الصحابة، امروزه دیگر در دست نیستند. در یک مقایسه بین مصادر العمدة و المستدرک می‌توان گفت مصادر العمدة از اعتبار بیشتر و گسترده‌تری بهره‌مند است. بر خلاف کتاب العمدة که مؤلف بارها از صحیحین نقل روایت دارد، در المستدرک از این دو کتاب نقلی مستقیم مشاهده نمی‌شود.



۵. تکرار روایات کتاب «العمدة»

شیوه نویسندگان کتاب‌های مستدرک، آوردن روایاتی است که کتاب اصلی آنها را نیاورده‌اند. اگرچه منابع ابن بطریق در دو کتاب معمولاً در موارد روایات تکراری متفاوت است و سند جدیدی را ارائه کرده است، اما این کار بر خلاف ضوابط مستدرک‌نویسی است. آری در شیوه‌های مستخرج‌نگاری و یا تخریج‌نویسی، تکرار روایت با سند جدید متداول است؛ ولی در مستدرک‌نویسی، این شیوه مرسوم نیست. برای نمونه در المستدرک این روایت آمده است:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا وَحَمْرَةُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَجَعْفَرُ ذُو الْجَنَاحَيْنِ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمُهَدِي (همان: ۲۴۵ ح ۵۵، ۴۷۴ و ۸۲۵) و تنها منبع آن و احتمالاً سند آن متفاوت است. با تحقیقی که اخیراً بر روی کتاب المستدرک شده است به راحتی می‌توان موارد مشابه را در کتاب العمدة یافت.

۶. نسخه خطی

کتاب العمدة دارای هشت نسخه خطی است که کهن‌ترین آنها مربوط به نیمه نخست قرن هفتم - یعنی کمتر از پنجاه سال پس از وفات مؤلف - است. اما بنا به گفته محقق این اثر، از کتاب المستدرک تنها یک نسخه باقی مانده که مربوط به قرن هشتم است. نام ناسخ این نسخه نفیس و ارزشمند مشخص نیست؛ اما متأسفانه شاهد عبارتی از وی در آغاز نسخه بر روی صفحه نخست آن هستیم که بیانگر حذف اسانید روایات توسط وی است. این نسخه هم‌اکنون به شماره ۳۶۷ در کتابخانه «الامام الحکیم» نجف اشرف موجود است (همان: مقدمه محقق).^۱ گفتنی است آقا بزرگ تهرانی از یک نسخه در کتابخانه راجه فیض‌آباد نیز خبر داده است (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۲۱/۵/۳۶۸۲).^۲

۱. این نسخه پیش‌تر در کتابخانه الشیخ محمد السماوی نگهداری می‌شده که اکنون به کتابخانه الامام الحکیم منتقل شده است.

۲. آقا بزرگ از دو نسخه یاد کرده: یکی نسخه کتابخانه السماوی - که هم‌اکنون در کتابخانه الامام الحکیم است - و دیگری نسخه فیض‌آباد.

تأملی در انتساب متن کتاب «المستدرک» به «ابن بطریق»

شواهد قابل تأملی در کتاب المستدرک وجود دارد که نسبت متن کامل کتاب را به ابن بطریق در هاله‌ای از ابهام می‌نهد. این شواهد را در دو بخش می‌توان بحث کرد:

۱. شواهد موجود در داخل متن

یکی از مباحث قابل توجه در کتاب المستدرک این است که نویسنده در چند جای کتاب، عباراتی آورده است که گویی این کتاب اثر حافظ ابن بطریق (یحیی بن حسن حلّی) نیست! این عبارات به نوعی اعتماد خواننده را به کتاب حاضر زایل می‌سازد. این شواهد عبارت‌اند از:

شاهد یکم: نام بردن از خود کتاب المستدرک به عنوان مصدر یک حدیث، در داخل کتاب با عباراتی که تأمل برانگیز است. این اتفاق فقط در یک جای کتاب رخ داده و متن آن چنین است: «من کتاب «مستدرک المختار فی مناقب وصی المختار» لیحیی بن الحسن بن یحیی بن البطرینق محذوف الاسانید ذکر السمعانی فی کتابه الموسوم بکتاب "فضائل الصحابة" یاسناده عن الحسن بن کثیر، عن زید بن أرقم: أن رجلاً أتاه یسأله عن عثمان و علیّ...» (حلّی، ۱۴۳۶: ۵۴/۷۷).

معنا ندارد در کتابی از خود آن کتاب به عنوان منبع یاد شود! به ویژه آن‌که با یادکرد مؤلف و وضعیت روایت به نوعی در مقام معرفی آن اثر باشد. ظاهر این عبارت این است که نویسنده این سطور، متن فوق را برای کتاب مستدرک المختار نوشته است؛ بلکه از آن کتاب بهره برده است.

شاهد دوم: در هفت جا از کتاب حاضر از کتاب العمدة به گونه‌ای یاد کرده است که گویا این کتاب ربطی به العمدة نداشته و نویسنده این کتاب غیر از یحیی بن حسن است (همان: ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۴، ۳۷۶ و ۳۸۶). برخی از این موارد چنین است:

نمونه اول: ذیل روایت «أن النبی أمر بالأبواب کلها أن تُسدّ الا باب علی» می‌نویسد: «ذكر ذلک یحیی بن الحسن ابن البطرینق... فی کتابه الموسوم بـ "العمدة" فی فصل سدّ الابواب من ثلاثة عشر طریقاً» (همان: ۱۳۵).

نمونه دوم: وقد ذکر یحیی بن البطرینق فی کتاب «العمدة» لهذا الخبر ثلاثة وعشرين طریقاً، منها فی مسند ابن حنبل ثمانية طرق... (همان: ۱۳۹).



نمونه سوم: ورد هذا في كتاب «العمدة» لابن البطريق من تسعة و ثلاثين طريقاً (همان: ۱۵۴).

نمونه چهارم: وقد ذكر يحيى بن الحسن ابن البطريق في مناقب المهدي ﷺ فصلاً مفرداً و سَمَّاهُ بـ: «كشف المخفّ في مناقب المهدي» يشتمل على مائة طريق و عشرة طرق كلها من الصحاح و الحسن، و أن عيسى ﷺ يصلي خلفه، كلّ ذلك من طرق الجمهور خاصة... لانه ورد في الصحاح من طريق مسلم و البخاري من ذلك طرق كثيرة في الكتابين المقدم ذكرهما - أعني كتاب العمدة و كتاب مناقب المهدي -... (همان: ۳۸۶).

این گونه عبارات معمولاً پس از نقل یک یا چند روایت هم معنا به کار می رود و به نوعی، جمع بندی نویسنده و بیان اطلاعات بیشتر به خواننده است. این اطلاعات در سرتاسر کتاب برگرفته از کتاب العمدة است و نویسنده از منبع دیگری برای آگاهی بخشی بیشتر به مخاطبان استفاده نکرده است.

شاهد سوم: در متن کتاب المستدرک المختار، ۲۵ بار نام های گوناگون ابن بطریق آمده است. اسامی وی با این عناوین آمده است: ابن البطريق، يحيى بن الحسن، يحيى بن الحسن بن البطريق، يحيى بن البطريق، يحيى بن الحسن الحلّی. هر جا نام وی آمده پس از آن یا از تعداد طرق روایت در کتاب العمدة سخن رفته است یا این که اشعاری از زبان ابن بطریق نقل شده است. در موارد نادری توضیحاتی نیز از وی گزارش شده است. آنچه بسیار مهم است این که در شش مورد نویسنده، نام ابن بطریق را آورده و با عبارت ترجم «رحمه الله»، به نوعی از وفات وی پرده برداشته است (همان: ۱۳۵، ۳۷۷، ۲۵۴، ۲۸۰، ۲۸۷ و ۴۳۳).

۲. شواهد حاصل از مقایسه با کتاب «العمدة»

شیوه نقل روایات از کتاب های مختلف در هر دو اثر - العمدة و المستدرک - یکسان است. برای نمونه در العمدة در ابتدای نقل از هر کتابی نام کتاب و گاه آدرس دقیق آن نیز به خواننده داده می شود:

مثال (در العمدة): «ومن صحيح البخاري في الجزء الخامس منه في الكراس الثامنة في باب قوله تعالى: وقتلوهم حتى لا تكون فتنة...» (حلّی، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۴۹)... ابن بطریق در تعلیق و نقل های پسین از یک کتاب از عباراتی نظیر «وبالاسناد المقدّم قال:...» بهره می برد.

در المستدرک نیز در ابتدای روایات نظیر همین عبارات را می‌خوانیم. مثال: «من کتاب فضائل الصحابة للسمعانی، قال باسناده عن ربعی بن خراش قال: حدثنا علی بن ایطالب...» (حلی، ۱۴۳۶: ۲۰۶). در المستدرک نیز تعلیقات با عباراتی نظیر «ومن الکتاب المذكور بالاسناد قال...» آمده است.

اندک تفاوت در تعبیر چندان قابل توجه نیست و از باب تقنن است؛ اما یک نکته مهم در مقایسه این دو اثر قابل توجه است. در العمدۀ هرجا از مؤلف نام برده می‌شود، معمولاً به گونه‌ای به زنده بودن وی^۱ یا مؤلف کتاب بودنش اشاره می‌شود،^۲ در حالی که در المستدرک، عبارات دعایی همواره از وفات وی حکایت دارد. وانگهی عبارات یادکرد از نام وی بیشتر به گونه‌ای است که گویی ابن بطریق مؤلف کل کتاب المستدرک نیست.^۳ البته تنها در آخرین سطور کتاب المستدرک پیش از ابیاتی از وی به عنوان مصنف با چنین عبارتی یاد شده است: «یحیی بن الحسن ابن البطریق مصنفه» (همان: ۴۳۳).

عبارت «مصنفه» این گمانه را تقویت می‌کند که این اثر، متنی مشترک از خود ابن بطریق و نویسندۀ دیگر است و شواهدی که در فراز آمد می‌تواند گویای این نکته باشد. از آن‌جا که می‌دانیم ابن بطریق کتابی به عنوان المستدرک برای العمدۀ نگاشته است و از سوی دیگر، شواهد متعددی در دست است که کتاب المستدرک فعلی با همان شیوه است، احتمال این همانی کتاب، بسیار قابل اعتناست.

تنها مشکل عباراتی است که به نظر می‌رسد ناسخ در متن آن تصرف کرده است. به عبارت دیگر، چه بسا ناسخ در سده هشتم هجری - دویست سال پس از ابن بطریق - این اثر را املا یا استنساخ کرده باشد و به متن مستدرک متونی را با عنایت به کتاب العمدۀ افزوده باشد. ناسخ تنها نسخه کتاب، خود بر روی برگه نخست آن به این نکته اعتراف کرده است که اسناد روایات را از کتاب حذف کرده است (حلی، ۱۴۰۷: مقدمه محقق / ۱۸).

۱. دعاهاپی نظیر: اَیَّدَ الله، مانند: قال یحیی بن الحسن بن البطریق المصنف - اَیَّدَ الله - (حلی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۲، ۲۵، ۳۷، ۵۷...).

۲. مثلاً می‌خوانیم: قال یحیی بن الحسن المصنّف... (حلی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۴ و...).
۳. در بخش‌های پیشین همین مقاله به شواهدی اشاره شد.

محتوای بخش‌هایی که ناسخ به متن المستدرک در سال‌های دور افزوده است، معمولاً یا یک جمع‌بندی از روایات و اشاره به طرق دیگر و منابع دیگر آنهاست (تخریج) یا بیان اشعاری است که گویا شعر خود ابن بطریق است. در مجموع در المستدرک به کرات اشعاری جلب توجه می‌کند که بر خلاف روش مؤلف در العمدۃ است؛ چه این‌که در آن‌جا به ندرت اشعاری مشاهده می‌شود.



کتابنامه

۱. حسن علی، عادل، (۱۴۲۴ ق)، الإمام الحاكم النيسابوري و كتابه، قاهره: مؤسسة المختار.
۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: مؤسسة الوفاء، چاپ دوم.
۳. السيد بن الطاووس، (۱۴۱۳ ق)، التحصين لأسرار مازاد من كتاب اليقين، تحقيق: الأنصاري، قم: مؤسسة دار الكتاب.
۴. افندی، عبد الله بن عيسى بيگ، (۱۴۱۰ ق)، تعلیقة امل الآمل، تحقيق: احمد حسینی، قم: مكتبه آیه الله المرعشي.
۵. حجت، هادی، (۱۳۹۸ ش)، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران: سمت، چاپ دهم.
۶. أبوزهو، محمد، (۱۴۰۴ ق)، الحديث والمحدثون، بيروت: دار الكتب العربی.
۷. ابن بطریق، يحيى بن الحسن الأسدي، (۱۴۱۷ ق)، خصائص الوحي المبين، تحقيق: مالك محمودی، قم: دار القرآن الكريم.
۸. آقا بزرگ، محمد محسن بن علی المنزوي الطهراني، (۱۴۰۳ ق)، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بيروت: دار الأضواء.
۹. كتاني، محمد بن جعفر، (۱۴۰۰ ق)، الرسالة المستطرفة، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۰. غلامعلي، مهدي، (۱۳۹۸ ش)، سبك‌شناخت كتاب‌های حدیثی، تهران: سمت و دانشگاه قرآن و حدیث، چاپ سوم.
۱۱. الحلّی، يحيى بن الحسن الأسدي، (۱۴۰۷ ق)، العمدة (عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، بی‌جا: نشر أدب الحوزة.
۱۳. الطريحي، فخر الدين بن محمد، (۱۴۰۸ ق)، مجمع البحرين، تحقيق: احمد حسینی، مكتب النشر الثقافة الاسلاميه.
۱۴. النوري، ميرزا حسين، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.
۱۵. الحلّی، يحيى بن الحسن الأسدي، (۱۴۳۶ ق)، المستدرک المختار في مناقب وصی المختار، تحقيق: سعيد عرفانيان، مكتبة العلامة المجلسي.



۱۶. الاعظمی، محمد ضیاء الرحمان، (۱۴۲۰ ق)، معجم مصطلحات الحديث و لطائف الاسانید، ریاض: مكتبة اضواء السلف.
۱۷. احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۱۵ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: شهاب الدین ابو عمرو، بیروت: دار الفکر.
۱۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ق)، مناقب آل ابی طالب، به کوشش: گروهی از اساتید، نجف: مكتبة الحیدریة.

